



خطای مخالفین تفسیر موضوعی در استناد به حدیث «ضرب قرآن به قرآن»

به گفته سیدمحمدعلی ایازی، بعضی از مخالفین تفسیر موضوعی به حدیث «ضرب قرآن به قرآن» استناد کرده‌اند، در صورتی که این نهی درباره پیدا کردن معنایی در جهت نقض آیات قرآن با برخی از دیگر آیات است.

به گفته سیدمحمدعلی ایازی، بعضی از مخالفین تفسیر موضوعی به حدیث «ضرب قرآن به قرآن» استناد کرده‌اند، در صورتی که این نهی درباره پیدا کردن معنایی در جهت نقض آیات قرآن با برخی از دیگر آیات است. «تفسیر موضوعی» عبارت است از: گردآوری آیات قرآنی مربوط به موضوعی خاص و تحلیل آنها و به دست آوردن نظریه قرآن درباره آن موضوع. گرچه تفسیر موضوعی در عصر اخیر، بیشتر مورد توجه اندیشمندان واقع شده، اما نه پدیده‌ای نوظهور است و نه کم‌اهمیت. در همین رهگذر نظر مفسرین قرآن و پژوهشگران این حوزه را درباره چیستی و چرایی «تفسیر موضوعی» جویا شدیم که در ادامه مشروح گفت‌وگوی ایکننا را با حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدعلی می‌خوانید. حجت‌الاسلام سید محمدعلی ایازی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، گفت: اگر بخواهم پیشینه‌ای از تفسیر موضوعی ارائه بدهم باید بگویم این نوع از تفاسیر، در دوره معاصر مورد توجه مفسرین قرار گرفته است و در گذشته تفاسیر موضوعی به شکل امروزی نگاشته نمی‌شد. جایگاه تفسیر موضوعی

نویسنده کتاب «تفسیر قرآن کریم» گفت: البته کسانی به مناسبت درباره برخی از مفاهیم قرآنی، کتاب یا رساله می‌نوشتند؛ به عنوان مثال در قرون هفتم و هشتم بعضی از مفسرین موضوعاتی چون الاقسام فی القرآن، التمثیلات و التشبیها فی القرآن کتاب نوشته‌اند یا در دوره متأخر تر درباره مفاهیم قرآنی کتاب و مقاله نوشته‌اند، مانند صبر و ایمان در قرآن و این موضوعات را بررسی می‌کردند. اما آن چیزی که امروزه بیشتر تعبیر به تفسیر موضوعی می‌شود، یک مسئله خاص‌تر است. آن موضوع استخراج موضع قرآن و کشف دیدگاه درباره یکی از موضوعات و مسائل قرآن، مانند زن در قرآن، حقوق انسان در قرآن، آزادی در قرآن.

این پژوهشگر علوم قرآنی افزود: صحبت‌های زیادی درباره چیستی، مبانی، و روش تفسیر موضوعی در میان موافقان و مخالفان تفسیر موضوعی مطرح شده و جای بحث و بررسی جدی با توجه به تحولات در حوزه زبان‌شناسی، معناشناسی و رویکردهای تاریخی است. چنانکه یکی از مباحثی که در حوزه تفسیر موضوعی مطرح می‌شود، مسئله جریان‌شناسی تفسیر موضوعی و گونه‌های آن است. و در نهایت بحث و بررسی درباره آسیب‌شناسی تفسیر موضوعی است که باید به صورت مستقل مد نظر قرار بگیرد.

وی افزود: من جز موافقان نگارش تفسیر موضوعی هستم؛ در گذشته نیز مقالات متعددی درباره اصل تفسیر موضوعی، جریان‌شناسی و آسیب‌شناسی تفسیر موضوعی نوشته‌ام. همچنین چند مقاله در نقد مخالفان تفسیر موضوعی به نگارش درآورده‌ام. بعضی از مخالفین تفسیر موضوعی به حدیث «ضرب القرآن بالقرآن» استناد کرده‌اند و با این حدیث تفسیر موضوعی را رد می‌کنند. من در مقاله‌ای که در مجله «علوم حدیث» منتشر شد، این بحث را باز کرده‌ام که این حدیث در چه منابعی آمده است و در چه فضایی گفته شده و توضیح داده‌ام که به اشتباه کسانی خواسته‌اند از این حدیث برای رد تفسیر موضوعی استفاده کنند. ضرب قرآن به قرآن، پیدا کردن معنایی در جهت نقض قرآن به قرآن است. حقیقت تفسیر آن است که در راستای سخن حکیم و عالم بین سخنان او جمع کرد، تا به مفاد واحدی برسد. در آن دوره کسانی در این جهت تلاش می‌کردند، که از این کار منع شده است.

این استاد دانشگاه اظهار کرد: افزون بر مباحث نظری، در حوزه نمونه‌های تفسیر موضوعی، تفسیرپژوهی این جریان و مقایسه میان نمونه‌های متأخر باید کار جدی کرد، چنانکه برای تکامل تفسیر موضوعی در مقایسه با ترتیبی به نقد گرایش‌ها باید پرداخته شود و از میان تفاسیر موضوعی معاصر بهترین گرایش را برگزید.

وی در پاسخ به این پرسش آیا خود شما در این باره چه کاری انجام داده‌اید گفت: من چندین مقاله درخصوص معرفی و نقد تفسیر موضوعی دوران اخیر و نشان دادن نمونه‌ها نوشته‌ام. حتی درباره برخی از شخصیت‌های که درباره تفسیر موضوعی نظریه‌پردازی کرده‌اند، و اهمیت این روش را در مقایسه با تفسیر ترتیبی بیان کرده، مانند مرحوم «شهید صدر» مقالاتی تألیف کرده‌ام؛ و در این مقاله نظر شهید صدر را در مقایسه با تفسیرهای موضوعی مانند تفسیر موضوعی آیت الله جوادی، سبحانی، و ابطحی بیان کرده‌ام و به تفاوت دیدگاه ایشان با دیگران اشاره کرده‌ام.

روش‌شناسی تفسیر موضوعی

وی در ادامه گفت: یکی از مباحثی که در حوزه تفسیر موضوعی مطرح است؛ بحث روش‌شناسی تفسیر موضوعی است. منظور این است همانطور که تفسیر ترتیبی با روش تفسیر قرآن به قرآن که کاری است ترتیبی با استناد به کلمه، جمله، معانی مقابل و کلمات همنشین و جانشین به کشف مراد می‌پردازند و یا رویکرد تاریخی و سیر نزول آن را مورد مذاقه قرار می‌دهند، باید در تفسیر موضوعی از این روش‌ها بهره برد. اما به نظر من گام نخست در شناخت تفسیر موضوعی شناسایی داشته‌ها در عالم اسلام و کارهایی است که مستشرقین در این زمینه انجام داده‌اند.

این استاد دانشگاه افزود: من این بحث را در کتاب‌های «المفسرون حیاتهم و منهجهم»، «شناخت‌نامه تفاسیر» و «سیر تطور تفاسیر شیعه» مطرح کرده‌ام. همچنین 25 سال پیش مقاله‌ای در «کیهان اندیشه» با موضوع نگاهی به تفاسیرهای موضوعی نوشته‌ام در آنجا به مناسبت تفسیر موضوعی مشهور حضرات آیات سبحانی، جوادی آملی، سیدمحمدباقر ابطحی و مکارم را معرفی کرده‌ام. اهمیت این بررسی ناظر به مساله تطبیق و مقایسه میان این دسته از تفاسیر موضوعی بوده که با مبانی و روش‌های مختلف انجام شده است. به نظر من لازم است تاریخ بحث معرفت‌شناسانه دوره صباوت بررسی شود لذا در این مقاله به تفاوت‌ها و روش‌های این تفاسیر اشاره کرده‌ام. پس می‌بینید هم لازم است از چیستی، جریان‌شناسی و کتاب‌شناسی تفسیر موضوعی سخن گفت.

وی در ادامه اظهار کرد: کار جدی مبنایی آسیب‌شناسی تفسیر موضوعی است. که مفسر با چه مبانی و پیش‌فرض‌هایی باید به سراغ تفسیر موضوعی برود که تفسیرش به‌رأی نشود. میان موافقان و مخالفان تفاسیر موضوعی چه نقاط مشترک و مفترقی وجود دارد؟ دغدغه واقعی مخالفان چیست؟ موافقان تفسیر موضوعی چه دغدغه‌ای دارند؟

ایازی اظهار کرد: در دوره معاصر از جمله کسانی که دغدغه تفسیر موضوعی داشته‌اند و در میان معاصرین ایران جزء پیشگامان این حرکت محسوب می‌شوند، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی است. وی در زندان کتاب «کلید قرآن» را تالیف کرد. هدف از تالیف این کتاب، یک نوع نمایه‌سازی موضوعات قرآنی بوده است که بر اساس آن یک تفسیر موضوعی بنویسند این مجموعه در 22 دفتر تالیف شده است که محصول آن با کار مرکز فرهنگ قرآن تفسیر راهنما و فرهنگ موضوعی تفسیر بوده و من به صورت مستقیم در نگارش 8 جلد آن نقش داشته‌ام.

تلقی‌ها درباره تفسیر موضوعی

نویسنده کتاب «قرآن و تفسیر عصری» افزود: از مهم‌ترین مباحث جدی در تفسیر موضوعی شیوه تفسیر موضوعی و تفاوت تلقی است که در باب تفسیر موضوعی به عنوان انتخاب وجود دارد. این که ما موضوع را از کجا می‌گیریم. موضوع را از خارج و از متن واقعیات و نیازها و پرسش‌های انسان و یا موضوع امری ذهنی و مبتنی بر مفاهیم بکار گرفته از قرآن است یا ترکیبی از این دو است؟ لذا بحث و بررسی از اینجا آغاز می‌شود که کسانی فکر می‌کردند تفسیر موضوعی آن است، که موضوعی را در قرآن مورد بحث و بررسی قرار بدهند. به همین دلیل گاهی بیش از آنکه تفسیر موضوعی بنویسند، به دنبال جمع کردن کلمات و واژگان قرآنی بر می‌آیند تا بر اساس آن کلمات را تفسیر می‌کردند؛ در حالی که تلقی دیگر این است که باید در تفسیر موضوعی یک مسئله و موضوع، سوال و شبهه‌ای مطرح شود و بعد از آن نظر قرآن را درباره آن مسئله جویا شویم.

وی افزود: گاهی یک لفظ در قرآن وجود ندارد، ولی ما می‌خواهیم موضع قرآن را درباره آن موضوع آگاه شویم، به همین خاطر سراغ قرآن می‌رویم و از قرآن می‌پرسیم مسئله تو چیست؟ به عنوان مثال لفظ «آزادی» در قرآن وجود ندارد؛ ولی این دلیل نمی‌شود که ما نخواهیم موضع قرآن را درباره این مسئله جویا شویم. همچنین مباحثی چون حقوق بشر و حقوق زن در قرآن وجود ندارد، درباره شخصیت انسان لفظی وجود ندارد اما می‌توان از مجموع آیات قرآن دیدگاه قرآن را جویا شویم. شهید صدر معتقد بود تا وقتی ذهن مفسر مالا مال از مسئله و شبهه نباشد، دیدگاه‌ها و نظریات را نداند مفسر نمی‌تواند تفسیر موضوعی بنویسد نمی‌تواند موضع قرآن را کشف کند. اما به نظر من آنجا که قرآن یک مفهوم اخلاقی مانند خویش‌نهادی و حلم را مطرح می‌کند، یا یک مفهوم اعتقادی مانند شفاعت و یا شرک را مطرح کرده است، می‌توان به سراغ موضوع رفت و بررسی کرد که منظور چیست و چه مساله‌ای را می‌خواهد مطرح کند و چه جایگاهی در حیات معنوی و اخلاقی انسان دارد.

جریان‌شناسی تفاسیر موضوعی

وی درخصوص جریان‌شناسی تفسیر موضوعی گفت: تفسیرهای موضوعی هم به لحاظ صورت و هم به لحاظ تدوین، استخراج، استنباط و مبانی متفاوت هستند. جریان‌های بودند که می‌خواستند تفسیر موضوعی را پژوهش کنند که آیا موضوعات به صورت عام یا خاص قابل تقسیم‌بندی هستند. در مقابل کسانی معتقد هستند بحث دسته‌بندی مطرح نیست ما باید ببینیم مسئله بیرونی و نیاز بیرونی چگونه است؟ و بر اساس این نیاز بیرونی به تدوین موضوعات قرآنی بپردازیم. در این قسمت کافی است به روش علامه طباطبایی در «المیزان» توجه کنیم؛ وی در ذیل برخی آیات از تفسیر آیات به سمت تفسیر موضوعی می‌روند به عنوان نمونه بحثی به نام «سنت‌های تاریخی در قرآن» را مطرح می‌کند. اینجا دیگر یک بحث موضوعی است که می‌خواهد یک مسئله را جواب بدهد که آیا تحولات اجتماعی دارای قانون هستند یا دارای قانون نیستند و شهید صدر از همین سبک به عنوان نمونه استفاده کرده‌اند.

روش‌ها در تنظیم تفسیر موضوعی

وی در ادامه گفت: تفسیر موضوعی در دو بخش شکل گرفته‌اند، یکی به عنوان مجموعه‌های دایره‌المعارفی که در چند جلد نگاشته می‌شود و دیگری در قالب تک‌نگاری‌ها. در تک‌نگاری‌ها، گاهی از مفهوم‌های قرآنی چون صبر، ایمان و تقوا و انسان بررسی می‌شوند، همان‌طور که می‌دانید این کلمات قرآنی هستند. به عنوان مثال قرآن برای رسیدن انسان‌ها به آرامش گفتن ذکر را پیشنهاد می‌دهد. و ذکر بارها در قرآن به عنوان مفهوم و یا مصداق مطرح شده است. اما اگر بخواهیم پرسشی بیرون از موضوعات به قرآن داشته باشیم و خصوصاً اگر موضوعی اجتماعی باشیم که اگر بخواهیم از قرآن بپرسیم مانند چگونه بر مشکلات روحی و معنوی جامعه فائق شویم؟ در اینجا مفسر به سراغ علوم چون روان‌شناسی، علوم اجتماعی، و تحقیقات میدانی می‌رود. آنگاه به سراغ قرآن که در میان نظریات مختلف قرآن چه پیشنهادی دارد. این بحث مستند به این کلام امیرمؤمنان است: «ذلک القرآن فاستنطقوه ولن ینطق ابداً». از قرآن بپرسید و به نطق در آورید که قرآن خود سخن نمی‌گوید.

ایازی افزود: یکی از روش‌های تفسیر موضوعی تفسیر تطبیقی درباره یک موضوع از موضوعات دینی است. در این کار تطبیقی

هدف تفاوت بیان قرآن با بیان ادیان بویژه ادیان ابراهیمی و مثلاً کتاب مقدس است. البته جریان‌های فلسفی و عرفانی هم به پژوهش‌های تطبیقی و مقایسه‌ای روی آورده‌اند؛ به عنوان مثال افزون بر تطبیق بین قرآن و کتاب مقدس، تطبیق قرآن با علم روان‌شناسی، قرآن با فلسفه فیلسوفان غرب انجام می‌دهند و سعی کرده‌اند موضع قرآن را به صورت مقایسه درباره یک شخصیت و یا نحله و جریان علمی و یا اجتماعی در قلمرو دین بفهمند؟ که قرآن از میان این دیدگاه‌ها کدام را تایید می‌کند. چگونه استفاده کردن از روایات نیز از جمله بحث‌های است که در جریان‌شناسی تفسیر موضوعی مطرح می‌شود.

آسیب‌شناسی تفاسیر موضوعی

این استاد دانشگاه با اشاره به یکی از آسیب‌های نگارش تفسیر قرآن گفت: در آداب تفسیر یکی از هشدارها، تفسیر به رأی است. این آسیب شامل تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی می‌شود. علامه طباطبایی در جلد سوم تفسیرالمیزان می‌نویسد «کسی که آگاه به قواعد تفسیر نباشد تفسیرش، تفسیر به رأی می‌شود». یا نظریه‌ای را برمی‌گزیند که شاهد و قرینه بر آن ندارد و یا تحمیل رأی می‌کند. پس یک مسئله روش‌شناسی است.

وی در ادامه تصریح کرد: یکی دیگر از موارد آسیب‌شناسی منقح نکردن مبانی تفسیر موضوعی است؛ مفسر تفسیر موضوعی برای تفسیر از مبانی استفاده می‌کند اگر این مبانی و مواضع را مشخص نکند و از آن‌ها به صورت مغشوش بهره‌گیری کند دچار آسیب در تفسیر می‌شود. گاهی مفسرین مبانی خود را در جایی منقح می‌کنند، اما خود به آن مبناها پایبندی نشان نمی‌دهد بدین‌گونه که آغاز و انجام تفسیرشان بر یک مبانی استوار نیست و اگر از وی بپرسند مبانی تفسیرت چیست خود نمی‌داند. نویسنده کتاب «شناخت‌نامه تفاسیر» در ادامه اظهار کرد: به نظر من مفسر باید موضع خود در تفسیرش را مشخص و منقح کند که آیا ما مخاطب قرآن هستیم، همان‌گونه که افراد در عصر رسول اکرم(ص) بوده‌اند؟ آیا ما حق تفسیر علمی داریم یا نداریم؟ قلمرو قرآن کجاست و انتظار ما از قرآن برای بیان معارف چیست؟ و زبان قرآن کدام است؟ اینها همه سوال‌هایی است که در این زمینه باید مطرح شود. وقتی درباره مبانی صحبت می‌کنم مفسر باید دسته‌بندی خود را از موضوعات اصلی و فرعی و نسبت آنها مشخص کند اگر مشخص نکند انسجام و نظم منطقی و علمی ندارد و قطعاً دچار آسیب می‌شود.

ایازی در آخر گفت: نکته دیگر بحث درباره آسیب‌شناسی پیش فرض‌هاست. منظور از پیش‌فرض‌ها چیست؟ منظور از پیش‌فرض‌ها چیزهایی است که ناخودگاه به ذهن مفسر می‌رسد و موجب تحمیل عقاید می‌شود. یکی از چالش‌های امروز بحث درباره حقوق زن است. اگر مفسر با نگاه مردسالارانه به آیات بنگرد، با پیش‌فرض‌های مردسالارانه می‌گوید زن‌ها عقل‌شان ضعیف است و با مردان تفاوت دارند و اگر با نگاه فمینیستی به آیات نگاه کند، به گونه‌ای دیگر از آیات استنباط می‌کند. این مساله شامل عقاید مذهبی، قومی و یا تأثیر فضای تاریخی، فرهنگی و سیاسی می‌شود؛ پس اگر مفسر در تفسیر خود پیش‌فرض‌های خود را دخالت بدهد، دچار آسیب در تفسیر می‌شود.